info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۷۹
دوشنبه ۱۰/ دی/ ۱۴۰۳
۲۸/ جمادی الثانیه/ ۱۴۴۶
30/ December / 2024

صاحب امتیاز: موسسه صاحب‌گامان اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری - سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار نهاوند، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۲۴۲-۲۲۵۳۲۸۳۸ - ۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

ارزنده امروز با حافظ

تو خود ای گوهر یک‌دانه کجایی آخر
کز غمت دیده مردم همه دریا باشد
از بُنِ هر مژه‌ام آب روان است بیا
اگرت میل لب جوی و تماشا باشد

خواندنی طلب منصب فانی نکند صاحب‌عقل
عاقل آن است که اندیشه کند پایان را
سعدی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۵	۰۷:۱۶	۱۲:۱۰	۱۷:۰۲	۱۷:۲۲

برگه

کلید اصلی موفقیت، عمل کردن است...

پابلو پیکاسو

برش

چشم بادامی‌های کاربلد

سینمای آسیا از دیرباز در میان سینمای هالیوود و سینمای اروپای شمالی و شرق آن به ویژه لهستان و روسیه، جایگاه ویژه‌ای داشته تا جایی که تا به امروز سینمای ژاپن و خصوصا آثار کروسا و در میان منتقدین سینما و همچنین بزرگان این صنعت جایگاه ویژه‌ای دارد و جزو آثار پرطرفدار سینمای کلاسیک محسوب می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از سیاست روز؛ سینمای آسیا از دیرباز در میان سینمای هالیوود و سینمای اروپای شمالی و شرق آن به ویژه لهستان و روسیه، جایگاه ویژه‌ای داشته تا جایی که تا به امروز سینمای ژاپن و خصوصا آثار کروسا و در میان منتقدین سینما و همچنین بزرگان این صنعت جایگاه ویژه‌ای دارد و جزو آثار پرطرفدار سینمای کلاسیک محسوب می‌شود.

حال پس از گذشت چند دهه از قول تقریبی سینمای ژاپن در صنعت جهانی سینما، پیشرفت سینمای کره جنوبی در دو دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین تحولات فرهنگی در سطح جهان تبدیل شده است. این پیشرفت نه تنها به لحاظ تولید آثار با کیفیت و جذاب، بلکه به لحاظ جلب توجه مخاطبان بین‌المللی و کسب جوایز معتبر سینمایی نیز نمایان است.

در دو دهه گذشته، سینمای کره جنوبی با تولید آثار برجسته‌ای مانند «شکل» و «پدر پسر»، توانسته است جایگاه ویژه‌ای در عرصه جهانی پیدا کند. فیلم «شکل» که در سال ۲۰۱۹ موفق به کسب چهار جایزه اسکار از جمله بهترین فیلم شد، نه تنها برنده جوایز معتبر جهانی گردید، بلکه به عنوان یک اثر اجتماعی عمیق و انتقادی، تحسین منتقدان و تماشاگران را جلب کرد. این موفقیت نشان‌دهنده توانایی سینماگران کره‌ای در روایت داستان‌های پیچیده و جذاب با مضامین اجتماعی و فرهنگی است.

یکی از عوامل کلیدی در موفقیت سینمای کره جنوبی، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در صنعت فیلم‌سازی و همچنین حمایت دولت از هنرمندان و تولید کنندگان سینما است. این حمایت‌ها شامل تسهیلات مالی، زیرساخت‌های مناسب و ایجاد فضاهای مناسب برای تولید آثار با کیفیت می‌شود. علاوه بر این، کارگردانان و نویسندگان کره‌ای به خوبی توانسته‌اند از تکنیک‌های نوین در فیلم‌سازی بهره‌برداری کنند و با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، آثار خود را به سطح بالاتری ارتقا دهند.

سینمای کره جنوبی همچنین به دلیل استفاده خلاقانه از رفرما شناخته می‌شود. ترکیب ژانرهای مختلف مانند کمدی، درام، ترسناک و اکشن باعث شده است که آثار این کشور تنوع بیشتری داشته باشد و بتواند مخاطبان بیشتری را جذب کند. برای مثال، «فیلم هموری بدون گذشته» با ترکیب عناصر اکشن و درام اجتماعی، داستانی جذاب و پرکشش را ارائه می‌دهد که نه تنها تماشاگران داخلی بلکه بین‌المللی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سریال «اسکویید گیم» یا همان بازی مرگ که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، نمونه‌ای دیگر از موفقیت‌های اخیر سینمای کره جنوبی است. این سریال که به سرعت به یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های تاریخ نتفلیکس تبدیل شد، نشان دهنده قدرت داستان‌گویی و جذابیت موضوعاتی است که می‌تواند مخاطبان جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. حال پس از حدود دو سال، فصل جدید این سریال در قالب هفت قسمت منتشر شد که در فاصله کوتاهی از انتشار به یکی از پربیننده‌ترین آثار نتفلیکس تبدیل شده است. این میزان از محبوبیت و همچنین برنامه‌ریزی برای انتشار سریالی با کیفیت و همه گیر تماما هوش بالای چشم، ابتلایی ها را در این صنعت رو به رشد نشان می‌دهد که به راحتی می‌توانند با تشخیص دادن جامعه هدف و همچنین تغییر ذائقه، بدون مرز جغرافیایی، تمامی محصولات خود را به نحوی به کل مردم جهان ارائه کنند.

نکته قابل توجه دیگر درباره سینمای کره جنوبی، توانایی آن در ایجاد تنوع در ژانرها و مضامین است. از فیلم‌های ترسناک و هیجانی گرفته تا کمدی‌ها و درام‌های اجتماعی، سینماگران کره‌ای همواره سعی کرده‌اند تا با ارائه داستان‌های متنوع و جذاب، مخاطبان را جذب کنند. این تنوع نه تنها باعث جذب تماشاگران داخلی می‌شود، بلکه زمینه را برای موفقیت‌های بین‌المللی نیز فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر با تیم نگاهی به سینمای کره و تطبیق آن با آثار داخلی خودمان باید به این نکته توجه داشته باشیم که سینمای ایران نیز دارای تاریخچه غنی و آثار برجسته‌ای است که توانسته است در سطح جهانی شناخته شود. کارگردانی مانند اصغر فرهادی با آثاری مانند «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» موفق به کسب جوایز اسکار شده است که نشان دهنده ظرفیت بالای سینمای ایران است. اما برای اینکه سینمای ایران بتواند به موفقیت‌های مشابهی دست یابد، نیازمند یک برنامه‌ریزی بلندمدت و هدفمند است.

سینمای ایران با داشتن داستان‌ها و فرهنگ غنی، می‌تواند مخاطبان جهانی را جذب کند. اما برای رسیدن به این هدف، نیاز است که سیاست‌گذاران فرهنگی و هنری کشور به حمایت از تولیدکنندگان و هنرمندان بپردازند و زیرساخت‌های لازم را فراهم کنند. همچنین، تبلیغات مؤثر و حضور فعال در جشنواره‌های بین‌المللی می‌تواند به معرفی بهتر سینمای ایران کمک کند.

علاوه بر این، یکی از چالش‌های اصلی سینمای ایران محدودیت‌هایی است که ممکن است بر روی موضوعات و مضامین آثار تأثیر بگذارد. این محدودیت‌ها گاهی باعث می‌شود که کارگردانان نتوانند به طور کامل ایده‌های خود را پیاده کنند. بر خلاف سینمای کره جنوبی که با آزادی بیشتری به بررسی مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد، سینمای ایران نیازمند فضایی آزاد‌تر برای بیان دیدگاه‌ها و روایت داستان‌هاست.

پیشرفت سینمای کره جنوبی در دو دهه اخیر نمایانگر توانایی این کشور در تولید آثار با کیفیت و جلب توجه مخاطبان جهانی است. با توجه به موفقیت‌هایی که این سینما در عرصه بین‌المللی کسب کرده، می‌توان گفت که آینده روشنی برای سینمای کره جنوبی وجود دارد. از سوی دیگر، سینمای ایران نیز با داشتن پتانسیل‌های بالا می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب و حمایت‌های لازم، به موفقیت‌های بیشتری دست یابد.

این دو سینما هر یک با ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود می‌توانند الگوهایی برای یکدیگر باشند. سینمای کره جنوبی می‌تواند به عنوان یک نمونه موفق در زمینه تنوع ژانرها و جذب مخاطب بین‌المللی برای سینماگران ایرانی مطرح شود؛ در حالی که سینمای ایران نیز می‌تواند با تمرکز بر روایت‌های انسانی و اجتماعی عمیق‌تر، جایگاه خود را در عرصه جهانی تقویت کند.

در نهایت، انتظار می‌رود که هر دو سینما بتوانند با بهره‌گیری از تجربیات یکدیگر، به رشد و شکوفایی بیشتری دست یابند و سهم خود را در فرهنگ جهانی افزایش دهند. پیشنهادی هم در این میان وجود دارد در ازای خرید سریال‌های کره‌ای، سریال‌های فاخر ایرانی به طرف کره‌ای عرضه و فروخته شود که حتی می‌تواند مبادله‌ای باشد که در شناساندن فرهنگ ایران نیز تأثیر گذار است.

علی کلانتری

گزارش روز

در آستانه پنجمین سالگرد ترور

ابتکار حاج قاسم در مبارزه با تروریسم

به گزارش پیام آشنا به نقل از مقاوم‌پرس، پنجمین سالگرد ترور ناجوانمردانه حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و همرزمان‌شان در قتلگاه فرودگاه بغداد به دست تروریست‌های آمریکایی، صهیونیستی و سرشاخه‌های خائن از راه رسیده است؛ به همین مناسبت و به منظور پاسداشت یاد شهدای مظلوم این حادثه تروریستی، نگاهی مختصر داریم به یکی از شاهکارهای فرمانده‌ای که در عین اقتدار و لهجتی که در چشم دشمن داشت به دلّی از مراد و مرشد همه پهلوانان و جوانمردان و آزادگان عالم، امیرالمومنین امام علی (صلوات‌الله علیه و آله) آهوش خود را از پیمان شهدا دریغ نمی‌کرد. در هنگامه عقب‌نشینی‌طلبانه‌ای که به مصاف شیطان و یلّس آفرینی‌ها می‌شتافت و در زمان بلایا با حضور جهادی خود، تسلای دل‌های دردمند مردم شهرها و روستاهای آسیب‌دیده بود. او که تا دیروز گروه‌کشای رهبر خود در مأموریت‌های خطیر نظامی و امنیتی به شمار می‌رفت، حالا حاج قاسمی است که کودکان سرزمین ما، و اقوام‌مان خود می‌دانند، جوانان از او الگو می‌گیرند و عموم مردم با مرام و مسلک او عشق‌بازی می‌کنند و مانیز حسرت جامانده از او و یارانش را چون داغی سخت بر دل خویش تحمل می‌کنیم. با اینتا کنّا ممکم فتفوزفوزاعظیما.

در سال‌های ابتدایی اشغال عراق توسط آمریکا به بهانه مقابله با تسلیحات کشتار جمعی دیکتاتوری صدام؛ اصطلاحی مجعول پای خود را به ادبیات سیاسی-امنیتی غرب آسیا باز کرد. «هلال شیعی» عبارتی بود که ملک عبدالله پادشاه اردن، آن را برای هشدار دهی نسبت به افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه به کار برد و البته این مفهوم سازی جای خود را در بین رقبای منطقه‌ای ایران باز کرد. هلال شیعی صرفاً به گسترش آرمان انقلابی و تسلط جمعیت شیعه منطقه غرب بر آسیا بر مناطق نفت خیز اشاره نداشت بلکه با تلفیق منابع قدرت، گستره اطلاق خود را به حوزه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک توسعه می‌داد. از این حیث ماجرای «برخورد تمدن‌ها» و دمکراتیزه کردن منطقه نیز برای اهل معانی امنیتی، قابلیت فهم و درک بیشتر وابسته ذهنیت خاصی را پدید می‌آورد.

پس از اشغال افغانستان و عراق بوسیله جورج بوش پسر؛ اولین آزمون رودررویی با تهدید برساخته «هلال شیعی» در تابستان ۲۰۰۶ و جنگ رژیم صهیونیستی علیه لبنان و حزب الله رخ داد. هنگام پایان این جنگ، معادلات حاکی از یک حقیقت هولناک برای آمریکا، مرتجعین منطقه و بعهره‌ی دولت جعلی اسرائیل بود: جریانی به نام مقاومت در برابر استکبار و صهیونیست‌ها که نزدیک به دو دهه قبل متولد شده بود؛ حالا به نیرویی بالغ و سرزنده، اثرمند و فعال تبدیل شده که قادر به برقراری موازنه با مجهزترین و خشن‌ترین ارتش منطقه شده است. به فاصله دو سال و از ۲۰۰۸ میلادی با درگیر شدن چندباره غزه با ارتش رژیم صهیونیستی؛ معادلات بازدارندگی به حوزه سرزمین‌های فلسطین اشغالی و بیخ گوش اسرائیلی‌های جنایتکار توسعه یافت.

همزمان در عراق اشغال شده نیز لشعاب مخوفی از اقاعده با هدایت ابومصعب الزرقاوی اقدام به حملات تروریستی علیه اهداف خود در مناطق مختلفی کرده و با رویکرد تکفیری عملا علیه شیعیان وارد جنگ شد. اگرچه مبارزه نمایشی و مصلحتی آمریکایی‌ها علیه القاعده و گروه زرقاوی، در مقاطعی با تضعیف شاخه عراقی سازمان مزبور همراه بود، ولی بار اصلی مقابله با تهدیدات تکفیری بر دوش مقاومت عراق قرار گرفت. پس از طی شدن یک دوره فترت، با هجوم برق‌آسای داعش به شهرهای عراق و همچنین سرازیر آوردن معترضان مسلح در سوریه که با حمایت سرویس‌های اطلاعاتی غربی-عبری-عربی، حتی تا نزدیکی دروازه‌های دمشق پیش تاختند؛ فصل جدیدی در صحنه امنیتی منطقه رقم خورد. سازماندهی مقاومت مردمی عراق با فتوای مرجعیت در شرایطی صورت پذیرفت که موجودیت نظام سیاسی عراق در معرض انهدام و حتی اقلیم کردستان در آستانه سقوط قرار گرفته بود.

امواج بحران‌های امنیتی یکی پس از دیگری در «هلال مجعول شیعی» رفت‌وآمد می‌کردند و در هم پیچیدگی و وخامت اوضاع باعث شد که حتّی برخی‌ها در تهران - تحت فشار تحریه‌های فلج کننده همچنان در برابر زیاده خواهی غرب به‌ویژه آمریکا و خباثت‌های صهیونیست‌ها ایستادگی می‌کرد- شرایط موجود غیرممکن تلقی کرده و خواستار تغییر سیاست‌های کلان منطقه‌ای نظام شوند! در این میان؛ حاج قاسم سلیمانی، فرمانده هوشمند سپاه قدس با فراستی که برآمده از شناخت دقیق منطقه و لایه‌های اجتماعی آن بود؛ به خوبی درک می‌کرد که ایده مقاومت، پتانسیل ایجاد یک «جریان پویا» و یک «جبهه توانمند» را برای رهایی بخشی تمامی مردم منطقه از شر خباثت‌های طراحی شده در اتاق‌های فکر و سرزمین‌های فلسطین اشغالی و بیخ گوش اسرائیلی‌های جنایتکار توسعه یافت.

جبهه مقاومت مبتنی بر محوریت آرمان فطری

«حزب»، «نوع دوستی» و «ظلم ستیزی»، شیعیان واهل تسنن و مسیحی‌ها وایزدی‌ها و کردها و آذری‌ها وافغانستانی‌ها و پاکستانی‌ها و بحرینی‌ها وفلسطینی‌ها ولبنانی‌ها و سوری‌ها را در یک شبکه منعطف و علیه دشمن مشترک مانند داعش و گروهک‌های تکفیری که به‌دنبال خالص سازی و دیگرسنیزی بودند، سازماندهی و تقویت کرد. حالا دیگر کسی از هلال شیعی دم نمی‌زد مگر اینکه در پستوها خود را به موهومات و توهمات سنّتی مشغول می‌کرد و اجتوجاه چشم‌پوشی از واقعیات می‌بست. ابتکار برآمده از تدبیر فرمانده میدان و حلی حکیم او؛ شاهکاری را خلق کرده بود که آرمان‌هرامی مرتجعین را که با کلیدواژه «کد «هلال شیعی» تئوری پردازی شده بود به شجره طیبه‌ای به نام جبهه مقاومت مبدل کرد. شجره‌ای تناور و طراوت که یادگار حاج قاسم و همرزمان اوست که در میان شداد و بلاهای معرکه‌های کوچک و بزرگ؛ با خون دل آبیاری شده و حالا میراث ماندگاری است حفاظت از ثمرات آن به نسل حاضر سپرده شده است.

بدیهی است هر زمانی که جبهه مقاومت در میدان و بحلور مستقیم بر خصم غلبه کرده؛ طراحی و نقشه‌های پشت صحنه میدان برای جبران شکست محور غربی-عبری-عربی تشدید شده است. در این راستا لابتدا تخریب چهره جبهه مقاومت رزمندگان وقرمانده‌ان آن در دستور کار قرار گرفته و هنگامی که تمامی تیرهای ترکش فتنه به‌خواهان مردم منطقه در برابر ایثار و فداکاری رزمندگان میدان و عقبه مردمی آن به سنگ خورد؛ کارگردان فتنه تمام عیار دو دهه در منطقه، غرب آسیا یعنی آمریکا، از پشت پرده بیرون آمد و (به اعتراف اخیر ژنرال تامیرهایمن رئیس بخش اطلاعات ارتش رژیم اشغالگر قدس) با همکاری و برنامه‌ریزی محور غربی-عبری اعم از دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم، تروریست صهیونیستی، انگلیس، بقایای گروهک‌های تکفیری، عوامل به جا مانده از حزب بعث عراق و همچنین معاندین ضدانقلاب مانند سازمان منافقین - در بامداد مورخ ۱۳ دی‌ماه سال ۱۳۹۸؛ جمعی از فرزندان برومند ایران و عراق و در رأس آنان سرداران شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس را در قتلگاه فرودگاه بغداد ربا را کرد تا به خیال خام خود چراغ مقاومت را بشکند، نور آن را محو و ظلمانی از جنس زمامداری حکّام وابسته عربی را حاکم کند. غافل از اینکه نوری که از جنس «آتش کوه طور» باشد خاموش شدنی نیست.

آنچه خوانندید تحلیلی مختصر، شاید نارسا و در حدبضاعت قلم نگارنده بود، اما آنچه در پی می‌آید دلنوشته‌ای است که مرکّب آن از دوده آتش دل‌های خونینی است سوگوار مصیبت فاطمیه و محزون فراق حاج قاسم ابومهدی و همفکری نشده باشد.

شهدای همراه آنان است:

نقل است که، چون بدکاران امت یهود، خون حضرت یحیی نبی (علی نبیّنا و آله و علیه صلوات الله) را بر زمین ریختند آن خون همچنان می‌جوشید تا اینکه آمران و عاملان شهادت آن مظلوم دوران قصاص شدند و در امت آخرین پیامبر نیز مظلومی است همانند جناب یحیی و حسین نام، که نابکاران خونش را در بیابانی نزدیک به دو نهر آب با کام عطشان بر زمین ریختند. سر مطهر پسر پیامبر را ماندند یحیای مظلوم در تشت طلا به نزد فرزند شخصی بدکاره پیشکش کردند و آن رأس شریف را بر نیزه منزل به منزل گرداندند... روزگار چرخید و گردید تا ناقدیدگان حسین؛ به گرد هم جمع شدند تا مرام و اعتقاد او را به پا دارند و مستضعفین را به فرزند موعود حسین رهنمون باشند. بدکاران زمان عزم قتل ایشان کردند. شیدایان حسین به هموا فتنا کردند و پا پس نکشیدند تا خون‌شان زمین را آغشته شد. خون یحیی و خون حسین را منتقمی بوده و هست و حاشا که حسین - علیه السّلام - هواداران کیوش را چو جان خویشتن ندارد! خون‌شان، آبوهیدی و شهدای جبهه مقاومت نیز همچنان در جوشش خواهد بود تا آن زمان که با قصاص شدن آوّلین شیطان و رسوایی خائنان به دست منتقمان، این خون آرام گیرد. قتله شهدای مظلوم، آن را دیر و دور می‌پندارند ولیکن ما آن را نزدیک می‌بینیم؛ زیرا این کلام حق است که: «فَامَن المجرمین منتقمون»!

اشاره

آیا راست جدید آمریکا را دگرگون خواهد کرد؟

راست جدید با تمرکز بر ملی‌گرایی اقتصادی احیای ارزش‌های مسیحی و سیاست خارجی رادیکال، سعی دارد تحولی اساسی در ساختار سیاسی آمریکا ایجاد کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز؛ انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا که طی آن دونالد ترامپ در رقابت با کامالا هریس توانست با کسب اکثریت آرا به عنوان رئیس جمهور آمریکا به کاخ سفید راه یابد از جنبه های مختلف حائز ویژگیهای مهمی است. انتخابجی. دی. ونس به‌عنوان معاون رئیس جمهور از سوی ترامپ در میانه رقابت‌های انتخاباتی ضمن آن که نمادی از جهت گیری های دولت آینده آمریکا بود از سوی تحلیل گران مسائل راهبردی به عنوان یک شاخص از ظهور راست جدید در آمریکا مورد ارزیابی قرار گرفت. ویژگی‌های راست جدید و تمایز آن از تفکر سنتی جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها می تواند تحولی اساسی در ساختار فکری و عملی دولت آینده آمریکا به شمار آید. این جریان، برخلاف جمهوری‌خواهان سنتی که به بازار آزاد، مداخله‌گرایی نظامی و اتحادهای بین‌المللی سنتی اولویت‌می دهند، دیدگاه‌هایی مبتنی بر ملی‌گرایی اقتصادی، سیاست خارجی واقع‌گرایانه و بازگشت به ارزش‌های مسیحی و فرهنگی را ارائه می‌دهد.

در مقایسه با دموکرات‌ها، راست جدید رویکردی ضد لیبرالیسم جهانی اتخاذ کرده و سیاست‌های مترقی در حوزه حقوق اقلیت‌ها، تغییرات اقلیمی و اقتصاد جهانی را به چالش می‌کشد. این جریان، برخلاف دموکرات‌ها که بر گسترش حقوق بشر و مداخله در حمایت از دموکراسی تأکید دارند، بر کاهش مداخله‌گری نظامی و تمرکز بر منافع ملی پافشاری می‌کند.

انتخاب جی. دی. ونس: نشانه‌ای از تثبیت راست جدید

انتخاب جی. دی. ونس به‌عنوان معاون دونالد ترامپ می تواند نمادی از عزم راست جدید برای گسترش نفوذ خود در ساختار سیاسی آمریکا تلقی شود. ونس، سناتور جوان و یک حامی برجسته ترامپ، نماینده تفکری است که با نقد نظم لیبرالی و جمهوری‌خواهی سنتی، چشم‌اندازی جدید برای حزب جمهوری‌خواه تعریف کرده است.

او که از طبقه کارگر برخاسته و تجربه زندگی در فقر را داشته است، در کتاب پرفروش خود "روزگار آمریکایی‌های پشت کوشش" به مسائل طبقاتی و اقتصادی اشاره می‌کند که به بازار آزاد، مداخله‌گرایی نظامی و اتحادهای بین‌المللی سنتی اولویت‌می دهند، دیدگاه‌هایی مبتنی بر ملی‌گرایی اقتصادی، سیاست خارجی واقع‌گرایانه و بازگشت به ارزش‌های مسیحی و فرهنگی را ارائه می‌دهد.

در مقایسه با دموکرات‌ها، راست جدید رویکردی ضد لیبرالیسم جهانی اتخاذ کرده و سیاست‌های مترقی در حوزه حقوق اقلیت‌ها، تغییرات اقلیمی و اقتصاد جهانی را به چالش مانند افزایش تعرفه‌ها و تقویت تولید داخلی را پیشنهاد می‌دهد.

این جریان، برخلاف لیبرال‌ها و جمهوری‌خواهان سنتی که بر حمایت کامل از اوکراین اصرار دارند، خواهان کاهش کمک‌های نظامی و مالی به کی‌یف است.

راست جدید در رابطه با ایران، بر تداوم فشار حداکثری تأکید داشته و ضمن مخالفت با برجام به سیاستی تهاجمی اما بدون مداخله نظامی مستقیم در قبال ایران معتقد است.

حمایت بی‌قیدوشرط از اسرائیل و تقویت عادی‌سازی روابط این کشور با دولت‌های عربی بخشی از استراتژی راست جدید در غرب است.

راست جدید در سیاست داخلی: احیای مسیحیت و خانواده

در داخل آمریکا، راست جدید تلاش دارد ارزش‌های فرهنگی سنتی را احیا کند. این جریان، لیبرالیسم فرهنگی و سیاست‌های ساختار شکنانه در زمینه حقوق اقلیت‌ها، مهاجرت و مسائل جنسیتی را تهدیدی برای هویت ملی می‌داند.

در زمینه بازسازی ساختارهای دولتی، این تفکر اقدام به طراحی پروژه‌هایی نظیر "پروژه ۲۰۲۵" برای بازسازی دولت و جایگزینی نخبگان لیبرال با معتقدان به کارآیی آن کرده است.

اقتصاد راست جدید: ملی‌گرایی اقتصادی و تقویت تولید داخلی

تفکر راست جدید در اقتصاد، تمرکز بر بازگرداندن صنایع به داخل آمریکا، کاهش وابستگی به چین و اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات تأکید دارد. این سیاست‌ها با هدف تقویت طبقه کارگر و کاهش شکاف‌های اقتصادی طراحی شده‌اند. اما از سوی مخالفان به‌عنوان تهدیدی برای اقتصاد جهانی آزاد نقد می‌شوند.

ترامپ و تثبیت راست جدید در آمریکا

اگرچه دونالد ترامپ را نمی توان تئوریسین راست جدید دانست اما این تفکر نسبت قابل توجهی با رویکردهای ترامپ دارد. انتخاب ونس به‌عنوان معاون رییس جمهور، بازتاب‌دهنده تلاش او برای نهادی‌سازی این جریان در ساختار سیاسی جمهوری‌خواهان است. هرچند ترامپ به دلیل شخصیت جنجالی خود در کانون توجه قرار دارد، اما راست جدید به‌عنوان یک جنبش فکری و سیاسی، حتی در صورت خروج ترامپ از صحنه، نقش تأثیرگذار خود را حفظ خواهد کرد.

راست جدید، با تمرکز بر ملی‌گرایی، احیای ارزش‌های سنتی و بازنگری در سیاست خارجی، نه تنها آینده حزب جمهوری‌خواه، بلکه کلیت سیاست آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است. انتخاب جی. دی. ونس به‌عنوان معاون ترامپ، نمادی از گسترش و تثبیت این جریان است. این روند نشان می‌دهد که راست جدید چالشی جدی برای جمهوری‌خواهان سنتی و دموکرات‌ها به شمار می‌رود و می‌تواند چشم‌انداز سیاست داخلی و خارجی آمریکا را برای سال‌های آینده تغییر دهد.

دیدگاه

هویت را جدی بگیریم

ایران با قلمرو جمعیت و تمدنش هویتی از خود دارد که آرزوی دست‌یافتنی بسیاری از کشورهاست. این هویت ارزشمند است و باید از آن حراست کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، ایران با قلمرو، جمعیت و تمدنش هویتی از خود دارد که آرزوی دست‌یافتنی بسیاری از کشورهاست. این هویت، ارزشمند است و باید از آن حراست کرد.

مردم این سرزمین، بزرگ و با کرامت‌اند و باید با کرامت با آنان برخورد کرد. حرمت بزرگان را باید حفظ کرد تا همراهی و متابعت را بدست آورد. این مردم برای همین عظمت روحی که دارند، مقلبل حرف زور می‌ایستند و تن به آن نمی‌دهند. تصمیم خوب هم اگر با اقناع، قرین نشود منجر به همراهی نخواهد شد چه رسد به تصمیم بد و لنشابهی که توأم با تسلط و همفکری نشده باشد.

این امر هم بی‌توجهی به مردم است هم ظلم به قانون و آن تصمیم.

یکی از مواردی که می‌تواند مصداقی از این قضیه باشد، تغییر نام معابر است.

تغییر نام معابر در تهران توسط شورای شهر صورت می‌گیرد. این فرآیند نیازمند بررسی دقیق و همفکری بین مقامات محلی و ملی است. اما گاهی پیشنهادات غیرکارشناسی و بی‌توجهی به هویت‌های ملی و منطقه‌ای و محلی باعث بروز حاشیه‌های مختلف می‌شود. در شرایطی که برخی کشورها می‌خواهند با پول‌های هنگفت، هویت بخرند، ما به هویت اصیل خود واقف نیستیم و از آن قدردانی و صیانت نمی‌کنیم. تغییرات بی‌ضابطه نام معابری که سال‌ها در یک شهر بوده چه منطق و استدلالی دارد؟ تغییر نام معابر باید سختگیرانه‌تر از تغییر نام و نام خانوادگی اشخاص باشد. صرفا به ضرورت و با ارائه دلایل محکم‌پسند امکان این تغییر فراهم شود. چرا که اگر نام و نام خانوادگی یک شخص به خود و یک جمع محدودی مرتبط باشد تغییر نام یک معبر عمومی به عموم مردم ارتباط دارد. عدم استفاده مردم از نام‌های جدید، هم بی‌احترامی به صاحب نام جدید است هم مهم‌تر از آن شخص، بی‌احترامی به نهاد قانون و قانون‌گذاری است. هر قانونی که متروک و معلوق شود نشان از قانون‌گذاران خارج از باغی دارد که نفهمیده‌اند کجا نشسته‌اند! فیلتری که با فیلتر شکن نابود می‌شود نابودی فیلترینگ را فریاد نمی‌زند. خفیف‌شدن قانون را اعلام می‌کند. نام خیابانی که تغییر می‌کند و با آن نام مسامحه می‌شود در طبق توخالی تقنین و تصمیم می‌کوبد و کشوری که قانون در آن بی‌حرمت شود باید به‌سرعت خود را اصلاح و بازسازی کند وگرنه آسیب جدی خواهد دید.

برای بررسی مثال پیش گفته به رویه سایر مناطق دنیا در نامگذاری معابر نگاهی کنیم:

در بسیاری از شهرهای آمریکایی، نامگذاری معابر به افتخار شخصیت‌های ملی یا محلی و رویدادهای تاریخی انجام می‌شود. فرآیند تغییر نام معمولا شامل جلسات عمومی و دریافت بازخورد از ساکنان است.

در کشورهای اروپایی، معابر معمولا نام‌هایی تاریخی یا فرهنگی دارند. تغییر نام اغلب به دلیل تصحیح نارسایی‌های تاریخی یا ارتقای مفاهیم جدید صورت می‌گیرد و نیازمند موافقت شورا‌های محلی است.

در برخی از کشورهای آسیایی، نام معابر برای بازتاب ارزش‌های جدید تغییر کند، اما معمولا فرهنگ محلی و تاریخ نیز مد نظر قرار می‌گیرد.

در تهران با توجه به وجود نهاد شورایاری و هویت محلی، شایسته و بایسته است پیش از هر طرحی در کمیته نامگذاری شورای شهر، یک استعلام و استفتای معتنابه از مردم و شورایاری گرفته شود تا تصمیم به چالش کشیده نشود.

مردم ممکن است به دلیل عادت به نام‌های قدیمی، در برابر تغییرات مقاومت نشان دهند که این مسئله می‌تواند به تنازگاری روانی و سردرگمی منجر شود. این مقاومت می‌تواند فرآیند تغییر را با تأخیر مواجه کند و هزینه‌های ناشی از تغییر نابلوها و بروزرسانی سیستم‌های نقشه‌برداری و اطلاعاتی را افزایش دهد.

تغییر نام‌های جاافتاده می‌تواند منجر به از دست رفتن بخش مهمی از هویت تاریخی و فرهنگی یک منطقه شود که برای بسیاری از ساکنان با ارزش و یادآور خاطرات شخصی و جمعی است.

هرچند تغییر نام ممکن است فرصتی برای ایجاد هویتی جدید و معاصر فراهم کند، اما باید با دقت و حساسیت انجام شود تا پیوستگی فرهنگی و تاریخی حفظ گردد.

تغییر نام معابر یک مسئله حساس است که نیازمند توجه به جنبه‌های مختلف فرهنگی، تاریخی و اجتماعی‌اند و باید با مشارکت مردم و درک متقابل انجام‌شود.

مسعود بیرهادی